

عقیده به خدای خالق، پدید آورنده دانش‌ها

- روزنامه «الوطن» چاپ سعودی گزارش داد که: طرحی از کمیسیون تعلیم و تربیت اتحادیه اروپا به پارلمان اروپا رسیده است که به موجب آن اعتقاد به خدای خالق یگانه جهان، از برنامه‌های آموزش و پرورش اروپا باید حذف شود، زیرا: **۱. اعتقاد به خالق یگانه جهان با علم روز سازگار نیست.**
- ۲. اعتقاد به خالق یگانه جهان، با نوآوری‌های علمی و خلاقیت اشخاص در تعارض است.**
- ۳. در اهمیت انقلاب نوین علمی تردیدی نمی‌کند.**
- ۴. حقوق مکتشفان و مخترعان را کم بها جلوه می‌دهد.**
- و در نتیجه، ایمان به خدای واحد، جایگزین یک قدرت سیاسی مسلط شده و حقوق انسانی آنان را تهدید می‌کند.
- هدف از این طرح چنان که گفته‌اند جلوگیری از آزادی عقیده به وجود خدا نیست، بلکه برای آن است که نگذارند عقیده و ایمان با علم در یک سطح از اهمیت قرار گیرند، و در نتیجه حقوق دانشمندان زیر پا گذاشته شود.^(۱)
- این گزارش حاکی از آن است که هنوز، ملحدان، و قدرت‌های حامی آنها از

روشن، نظریه خود را به کرسی نشانده، و خواسته‌اند قانونگذاران مجلس اروپا را فریب دهند.

● این طرح در بند نخست بر این تکیه می‌کند که علم با دین در تضاد و تعارض است. سؤال می‌شود که کدام دین است که با علم سازگاری ندارد؟ دینی که در دوران اختناق و قرون وسطی، دادگاه‌های انگیزسیون را به راه انداخت؟ اکنون که چنین دینی در اروپا وجود ندارد تا با علم در تضاد باشد. از این گذشته، آیین مقدس اسلام، پیوسته مردم را به علم و دانش دعوت نموده و اسرار آفرینش در قرآن، آن چنان بیان شده است که تو گویی از زبان يك دانشمند طبیعی سخن می‌شنویم. بنابراین شما نباید مطلق دین را با علم معارض بشمارید.

● در بند دوم، دین را مانع از نوآوری‌ها و آفرینش‌های جدید علمی دانسته است، در حالی که اکثر مخترعان و مکتشفان و پایه گذاران تمدن بشری به خدا ایمان داشتند. از این گذشته، اعتقاد به این که این جهان مخلوق خدای دانا و

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی درس عبرت نگرفته، و هنوز در این اندیشه‌اند که جامعه را می‌توان بدون دین اداره کرد، و می‌توان به خودکامگی‌ها از طریق کنار زدن دین، رسید.

آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۹۵٪ مردم جهان، به دین پای‌بندند، و بنا الحاد، و انکار ماورای طبیعت، هیچ نوع سازگاری ندارند. چنین آماری خودکامگان را که دین را مانع هوسها و تمایلات افسار گسیخته خود می‌بینند، بر آن داشته که بار دیگر الحاد را در جهان ترویج کنند و یکی از راه‌ها این است که پارلمان بزرگ اروپا این اصل را تصویب کند که دین نباید حتی در مدارس و آموزش و پرورش تدریس شود تا به تدریج با آمدن نسل‌های نو، دین به فراموشی سپرده شود. غافل از آن که دین، ریشه در آفرینش انسان دارد و یکی از ابعاد روحی و روانی او را تشکیل می‌دهد. اگر دیگر احساسات و تمایلات انسان را بتوان از او گرفت، احساس دینی او را نیز می‌توان از او گرفت.

شگفت اینجاست که با مغالطه‌های

مطالعات علمی است و فقط آنها که معنی کوشش خارج از حد متعارف و باور نکردنی دانشمندان را و مهمتر از همه، فداکاری و کوشش طلایه‌ها و پیش قراولان علمی، یعنی کار خرد کنندهٔ تئوری سازان را می‌شناسند، می‌توانند نیروی عظیم هیجاناتی را که مصدر این همه ابداعات عجیب و کاشف واقعی فنونهای زندگی است، دریابند.

آیا چه الزامی و اعتقادی از نظم جهان هستی، و چه اشتیاق عجیبی «کپلر» و «نیوتن» را نیرو و توان می‌بخشد که سالها در تنهایی و سکوت محض، برای توضیح دادن و از پیچیدگی درآوردن نیروی جاذبه و نظام فلکی، رنج ببرند.

ولی تنها کسی می‌تواند يك تصور روشن از چیزی که به راهنمایان واقعی بشری الهام داده و به آنان نیرو بخشیده است، داشته باشد که خود در چنین راهی گام برداشته و سالها عمر خویش را در این راه صرف کرده باشد.

بلی آن چیزی که به فداکاران و جانبازان قرون، علی‌رغم شکست‌ها و

تواناست، ما را بیشتر به کشف اسرار طبیعت فرا می‌خواند تا اعتقاد به این که این جهان بر اثر تصادف و انفجار کور ماده پدید آمده است. بنابراین اعتقاد نخست، مکتشف می‌داند که مخلوق خدای دانا و توانا نمی‌تواند بی نظم و بی قانون باشد، از این جهت این عقیده او را به فعالیت و کشف اسرار و قوانین و رازهای طبیعت دعوت می‌کند، در حالی که اعتقاد به پیدایش جهان از روی تصادف، هیچ انگیزه‌ای برای بحث و بررسی و کاوش علمی در انسان ایجاد نمی‌کند، زیرا هیچ‌گاه انفجار کور، ملازم با پیدایش نظم و قانون نمی‌باشد، تا محقق بنشیند درباره آن تحقیق کند. در این جا سخنی را از انیشتین، دانشمند بزرگ قرن و پیشوای فیزیکدانان جهان بشنوید.

سخنی از انیشتین

وی درباره تأثیر عقیده به خدا در اکتشافات چنین می‌گوید:

«من تأیید می‌کنم که مذهب، قوی‌ترین و عالی‌ترین محرک تحقیقات و

ناکامی‌های ظاهری توان می‌دهد تا بار دیگر به پای خیزند و جهاد کنند، این احساس مذهبی مخصوص است که یکی از معاصرین گفته است که در این عصر ماده پرستی، فقط کارگران جدی و واقعی علوم، آنهایی هستند که دارای احساسات مذهبی عمیق باشند».

انیشتین سپس می‌گوید:

«به سختی می‌توان در بین مغزهای متفکر جهان کسی را یافت که دارای يك نوع احساس مذهبی مخصوص به خود نباشد. این مذهب با مذهب يك شخص عادی فرق دارد و يك دانشمند که مسلح به عقیده قانون علیت عالم وجود می‌باشد، مذهبش شکل تحری شعف آور از نظام عجب و دقیق کائنات است که گاه گاه پرده از روی اسرار برمی‌دارد، که در مقام مقایسه با آن تمام تلاشها و تفکرات منظم بشری، انعکاس ضعیف و ناقابل‌ی بیش نیست، این احساس (مذهبی) چراغ راه کاوشها و زندگی او است».^(۱)

بنابراین، هر نوع پیشروی در علوم و پرده برداری از رازهای آفرینش بر اساس اعتقاد به وجود نظم در جهان خلقت صورت گرفته و این اعتقاد نتیجه مستقیم «ایده خداپرستی» و اذعان به دخالت عقلی بزرگ در خلقت می‌باشد.

● در بند سوم بر این تکیه می‌کند که دین، از ارزش این جهش‌های علمی که در این دو قرن رخ داده است، می‌کاهد، و این خود، ادعای بدون دلیلی است که کمسیون به مجلس داده و خوشبختانه مجلس يك بار آن را رد کرده است. در کتاب آسمانی مسلمانان قریب ۷۸۰ بار ماده «علم» به صورت‌های مختلف وارد شده است و در تمدن اسلامی، قرن‌ها، علمای اسلام، پیشتازان علم و دانش بوده و حلقه‌ای متین بین تمدن یونانی و رومی و تمدن صنعتی مدرن غرب گشتند، و هنوز هم کتاب قانون بوعلی مورد احترام پزشکان جهان و کتاب‌های جابربن حیان طرطوسی زینت‌بخش کتابخانه‌های اروپا

است. نموده است. کافی است در مضمون این

آیه دقت بفرمایید:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ
أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ﴾ (مجادله/ ۱۱).

«خداوند کسانی را که از شما ایمان
آورده و دانش به دست آورده باشند، به مراتب
و درجاتی برتری می‌دهد، و خدا به آنچه
می‌کنید آگاه است.»

● در بند چهارم، باز ادعای بی
برهانی مطرح کرده که ایمان به خدا، از
اهمیت حقوق مخترعان و مکتشفان
می‌کاهد، اتفاقاً اعتقاد به خدای جهان و
این که این جهان را با برنامه آفریده است،
سبب می‌شود که مردم به مکتشف و مخترع
ارزش بیشتری قائل شوند که اسرار جهان را
که خدای آنان در طبیعت نهاده، بازگو

لقمان حکیم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی

يَا بُنَيَّ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُخَيِّبُ الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُخَيِّبُ الْأَرْضَ
بِوَابِلِ السَّمَاءِ.

بحار الأنوار، جلد اول، صفحه ۲۰۴

«فرزندم! ... خدا دل‌های آدمیان را با نور دانش زنده می‌کند، آن
سان که زمین‌های مرده را با باران‌های پر برکت آسمان!»